

زوراب پولولیکاشویلی، دبیرکل سازمان گردشگری ملل متحد با ارسال نامه‌ای به سیدرضا صالحی امیری وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، بر لزوم تقویت همکاری‌های دوجانبه در راستای توسعه پایدار صنعت گردشگری و اهمیت نقش‌آفرینی ایران در این حوزه تأکید کرد. پولولیکاشویلی در ادامه، برگزاری نشست مشترک خود با وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی ایران را گامی مهم در راستای ترسیم

اهمیت نقش‌آفرینی ایران در گردشگری شهری

باخ؛ دوهنر در یک صحنه

فرهنگ‌ها هستند که به کشورها هویت می‌دهند و موسیقی همیشه قطعه‌ای جدانشدنی از فرهنگ است

نمایش «باخ» این روزها درحالی در تماشاخانه «هیلاج» روی صحنه می‌رود که بهزاد عیدی که تا پیش ازاین بیشتر به‌عنوان یک آهنگساز مطرح در حوزه موسیقی معاصر شناخته می‌شد، نویسنده‌گی و کارگردانی این نمایش را به‌عهده دارد. اگرچه به گفته خودش، از سال‌ها پیش همواره با تئاتر عجین بوده و در جایگاه بازیگر، تاامروز درآثار نمایشی متعددی تجربه حضور برصحنه تئاتر داشته است. خسرو احمدی، بهزاد داوری، حسین میرزاییان، بهناز نادری و بهزاد عیدی ازجمله بازیگران این نمایش هستند. به این بهانه با او درباره این نمایش به گفت‌وگو نشستیم.

آزاده صالحی
گروه فرهنگ و هنر

[۱] انتخاب «باخ» به‌عنوان تم این نمایش به دل‌بستگی شما به این موزیسین مشهور و جایگاه او در حیطه موسیقی جهان برمی‌گردد؟

من علاوه براین‌که باخ را خیلی دوست دارم، به‌شخصه او را مرکز موسیقی جدی در هستی می‌دانم؛ اما باخ دراین نمایش برای من فقط یک کانسپت و مفهوم است. تصور من براین است که هر مملکت و تمدنی که دارای موسیقی جدی است، برای خودش یک باخ دارد و ما باید باخ کشور خودمان را پیدا کنیم. همان‌طور که درجایی از نمایش به این نکته اشاره می‌شود که «من استاد ابوالحسن صبا هستم، من فرهنگ شریف هستم...» و نام بسیاری از چهره‌های نامدار موسیقی ایرانی برده می‌شود. با گنجاندن این دیالوگ می‌خواستم بگویم فرهنگ‌ها هستند که به‌کشورشان هویت می‌دهند و موسیقی همیشه قطعه‌ای جدانشدنی از فرهنگ است. هر آهنگسازی می‌تواند برای آن کشور باخ باشد، فقط کافی است آن باخ را پیدا کنیم تا موسیقی آن کشور جهانی شود. ازاین‌رو، باخ برای من یک معیار است، چون همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره کردم، در اذهان همه هنرمندان، او به‌عنوان خدائوندگار موسیقی شناخته می‌شود. البته این هم می‌تواند یکی دیگر از مفاهیم نمایش باشد اما من صرفاً نمی‌خواستم به این موضوع بسنده کنم. همان‌طور که در نمایش دیدید، یکی از کاراکترها، شخصیت ساده‌ای است که باوجود آن‌که پدرش موزیسین بوده و خودش هم صدای خوبی دارد اما به‌دلیل این‌که به موسیقی کوچه‌بازاری گرایش دارد، صدایش هیچ‌گاه در جامعه

نقشه‌راه همکاری‌های آینده برشمرده و بر ضرورت تعمیق مناسبات ساختاری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشترک در حوزه سیاست‌گذاری گردشگری تأکید کرد. در این راستا، او به دو محور کلیدی در دستور کار مشترک ایران و سازمان جهانی گردشگری اشاره کرد: نخست برنامه‌ریزی و سازماندهی مجمع آتی گردشگری شهری درتهران که می‌تواند نقش ایران‌رادر تدوین راهبردهای نوین گردشگری شهری در مقیاس جهانی پررنگ‌تر

سازد. دوم افزایش تعاملات میان ایران و شبکه اعضای وابسته سازمان جهانی گردشگری، به‌منظور افزایش پیوندهای علمی، فنی و سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری ایران. او در پایان، با تأکید بر تعهد سازمان گردشگری ملل متحد نسبت به استمرار تعاملات سازنده با ایران، بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های متقابل برای توسعه پایدار گردشگری، تعمیق دیپلماسی گردشگری و افزایش هم‌افزایی در عرصه بین‌المللی را خواستار شد.



می‌شوید، حالا با یک وقفه نسبتاً طولانی

دوباره به عرصه تئاتر بازگشته و دراین حیطه تجربه‌آزمایی کرده‌اید؛ آیا قرار است ازاین به بعد شاهد فعالیت بیشتر شما دراین عرصه باشیم؟

باید به این نکته توجه داشته باشیم که طبیعت انسان‌ها دائماً درحال تغییر است. من تا پیش از این‌که از ایران بروم، تمرکز من بر فعالیت در تئاتر بود و شش‌هفت نمایش هم روی صحنه بردم. وقتی از ایران رفتم، دیگر تمرکز جدی‌ام را روی موسیقی گذاشتم؛ علتش هم این بود که اگر می‌خواستم در خارج از کشور هم فعالیت تئاتری خود را ادامه دهم، باید نه‌فقط به زبان محاوره که به گستره وسیعی از زبان مسلط باشم؛ به‌همین‌خاطر ترجیح دادم به جای تئاتر، موسیقی را در خارج از کشور ادامه دهم اما همیشه نسبت به خودم احساس بدهکاری داشتم و باخود فکرمی‌کردم من این‌همه سال در ایران تئاتر کارکردم و چندین سال دوره‌های مختلف میانی این هنر را تحت‌نظر بهترین اساتید این حوزه آموزش دیدم؛ حیف است چیزی را که درونم هست به کار نگیرم. وقتی در چند سال اخیر به ایران برگشتم، دغدغه تئاتر دوباره برای من جدی شد. از سوی دیگر، یک‌دیگر وابسته‌اند، شاید یک نفر شاعر خوبی باشد و در عین‌حال در نقاشی هم درخشان باشد. ازاین نمونه‌ها درعالم هنری ما بسیارند. نمونه آن خانم نادری بازیگر نقش فروغ در همین نمایش باخ است که باوجود آن‌که در رشته کارگردانی تئاتر تحصیل کرده اما موزیسین بسیار خوبی هم هست و سال‌هاست به‌شکل حرفه‌ای در این عرصه فعالیت دارد. بنابراین، هنرها همیشه برای انتقال یک مفهوم به یک‌دیگر کمک می‌کنند.

آنچه دراین زمینه برایم اهمیت دارد این است که من نمایش باخ را در حد وسیع، دانش و تلاش گروهی اجرا برده‌ام و از بازخورد کارم هم رضایت دارم. می‌خواستم به‌مدد این کار، به انتقال مفهومی که در ذهن و قلبم داشتم بپردازم و خوشحالم که با توجه به استقبال مخاطبان، نتیجه دلخواه دراین زمینه حاصل شده است. از سوی دیگر، مخاطب امروز تئاتر، به‌اندازه‌ای فهیم و عمیق هست که بتواند به درونمایه این اثر پی ببرد.

[۲] با توجه به این‌که شب‌های متوالی از اجرای این نمایش می‌گذرد، فکرمی‌کنم حالا دیگر می‌توانید ارزیابی نسبت به خروجی این نمایش از سوی مخاطبان ارائه دهید.

آنچه دراین زمینه برایم اهمیت دارد این است که من نمایش باخ را در حد وسیع، دانش و تلاش گروهی اجرا برده‌ام و از بازخورد کارم هم رضایت دارم. می‌خواستم به‌مدد این کار، به انتقال مفهومی که در ذهن و قلبم داشتم بپردازم و خوشحالم که با توجه به استقبال مخاطبان، نتیجه دلخواه دراین زمینه حاصل شده است. از سوی دیگر، مخاطب امروز تئاتر، به‌اندازه‌ای فهیم و عمیق هست که بتواند به درونمایه این اثر پی ببرد.

[۳] در سال‌های اخیر بیش از پیش شاهد تعامل هنرها به‌خصوص موسیقی و تئاتر با یک‌دیگر هستیم؛ به‌عنوان مثال، امروز دیگر کمتر نمایشی را می‌بینیم که از وجود یک ارکستر در شب‌های اجرا بهره ن‌گرفته باشد. این مسأله گاهی با انتقاداتی از سوی برخی از اهالی هنر هم مواجه است؛ نظر شما دراین باره چیست؟

ببینید ما یک کنسرت نمایش داریم که چنان‌که از عنوانش پیداست، کنسرت به‌اضافه یک اثر تئاتری است. این سبک را هم اولین بار استاد محمد رحمانیان در تئاتر ما باب کرد. کنسرت‌نمایش درواقع اثری است که اپیزودیک اجرا شده و مابین اپیزودها، قطعاتی از موسیقی اجرا می‌شود. خود ایشان با بهره‌گیری ازاین سبک، به

اجرای آثار تئاتری درخشانی پرداختند. درکنار کنسرت‌نمایش، ما نمایش موسیقایی را داریم که موسیقی نقش اساسی دراین آثار ایفا می‌کند. فیلم‌هایی مانند «اشک‌ها و لبخندها»، «بینوایان» و... ازجمله این آثار هستند که در بخش‌هایی ازاین کارها، موسیقی هم مانند دیالوگ پیش‌برنده قصه است. علاوه براین‌ها، یک اثر دراماتیک مثل اپرا داریم که از اول تا آخر مبتنی بر آواز است.

[۴] شما از جمله هنرمندانی هستید که باوجود این‌که بیشتر به‌عنوان یک موسیقیدان شناخته

منظر شعری بوده است اما درمجموع، دراین سال‌ها تلاش‌هایی

به‌دست هنرمندان حوزه موسیقی صورت گرفته تا مردم بیش از پیش با موسیقی بی‌کلام و آثار بزرگانی چون ابوالحسن صبا، مرتضی‌نی‌داود، جلیل شهناز، محسن نفر، حسین علیزاده، پرویز مشکاتیان، محمدرضا لطفی و... در حوزه موسیقی اصیل ایرانی آشنا شوند. در زمینه موسیقی کلاسیک ما هم، شخصیت‌های برجسته‌ای نظیر حسین دهلوی، هوشنگ استوار، شاهین فرهت و مجید انتظامی آثار زیبایی را خلق کرده‌اند که می‌توان بارها به اجرای این کارها پرداخت و زمینه را برای شناخت بیشتر مردم نسبت به این قطعات فراهم کرد. البته در کنار تلاش‌های موزیسین‌ها، رسانه‌ها هم می‌توانند نقش زیادی در آشنا کردن مردم با موسیقی کلاسیک داشته باشند.

در کشورهای دیگر هم این نوع موسیقی همواره منبع الهام هنرمندان بزرگ بوده است. به‌عنوان مثال، موزیسینی مانند مالر، سمفونی شماره یک خود را براساس موسیقی کافه‌ای نوشت. یا دراین نمایش، من قطعاتی را براساس کارهایی که برخی از خوانندگان به شیوه موسیقی کوچه‌بازاری خوانده‌اند نوشته‌ام. چون احساس کردم حیف است باتوجه به این ظرفیت گسترده، به موسیقی کوچه‌بازاری کم‌توجهی شود. هرچند اطمینان دارم اگر باخ هم امروز زنده بود، بدون شک ازاین نوع موسیقی بهره می‌گرفت و آثار درخشانی خلق می‌کرد.

جدی گرفته نشده است. جالب است که بگویم، خود من هم تا پیش ازاین‌که باخ را روی صحنه ببرم، چندان که باید موسیقی کوچه‌بازاری را جدی تلقی نمی‌کردم. ولی وقتی دراین نوع موسیقی دقیق شدم، متوجه شدم از چه عناصر فوق‌العاده‌ای برگرفته شده است. این حرف را هم از سر احساس بیان نمی‌کنم، بلکه از دیدگاه یک موزیسین و از منظر فنی می‌گویم که موسیقی کوچه‌بازاری از ظرفیت گسترده‌ای برخوردار است که می‌تواند دستمایه خلق آثار خوبی قرار بگیرد. نه تنها در کشور ما که

برش

+

[۵] یک سؤال هم درباره جایگاه موسیقی کلاسیک داشتم؛ اصولاً

در جامعه ما به‌دلیل نبود فرهنگ‌سازی‌های لازم و فراهم‌نشدن زیرساخت‌ها، عامه مردم چندان که باید با این ژانر، خاصه موسیقی بی‌کلام ارتباط چندانی برقرار نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند اگر به تماشای یک کنسرت بنشینند، خواننده‌محور باشد؛ بااین‌حال نمایش‌هایی مانند باخ جقدر می‌توانند در برقراری پیوند مردم با موسیقی کلاسیک و بی‌کلام نقش داشته باشند؟

اگر می‌بینیم که موسیقی امروز ما بیشتر بر خواننده‌محوری متکی شده است، دل‌بش این است که کشور ما کشور شعر است و مردم همیشه با شعر ارتباط بیشتری برقرار می‌کنند. طی این سال‌ها هم هرآنچه موسیقی را دستخوش آفت‌وخیز و ممیزی کرده، بیشتر از

ادبیات

فراخوان جایزه جهانی فلسطین منتشر شد

فراخوان سومین دوره جایزه جهانی ادبیات فلسطین توسط دبیرخانه این رویداد منتشر شد. جایزه جهانی ادبیات فلسطین جایزه‌ای غیردولتی است که سال ۱۳۹۷ تأسیس شد و قرار است هر دو سال یک بار

با همکاری اتحادیه‌های فرهنگی و ادبی و تعدادی از انجمن‌ها و مؤسسات نشری کشورهای اسلامی برگزار شود. در این جایزه، کتاب‌های ممتاز در این گروه‌هابررسی و داوری می‌شوند؛ داستان و شعر کودک، مجموعه‌داستان‌های کوتاه، رمان، خاطره، نمایش‌نامه چاپ‌شده و دیوان شعر. علاقه‌مندان به شرکت در جایزه جهانی ادبیات فلسطین باید متن اسکن‌شده آثار خود به زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسوی، روسی، مالایی، اردو، ترکی، اسپانیایی، چینی و... را در قالب یک فایل بی‌دی‌اف یا ژوڈ یا اصل کتاب را در دو نسخه، حداکثر تا پایان ماه می ۲۰۲۶ میلادی م‌قارن با ۹ خرداد ۱۴۰۵ در سایت جایزه جهانی فلسطین به آدرس www.palintaward.com بارگذاری یا به دفتر دبیرخانه جایزه در تهران ارسال کنند.



تجسمی

ثبت ملی ۲۰ اثر موزه آبگینه

نوید صالح‌وند مدیر موزه آبگینه از ثبت ملی ۲۰ اثر شیشه‌ای و سفالین متعلق به این موزه خبر داد و اعلام کرد: ۱۱ اسفند، در جلسه شورای ثبت ملی آثار منقول، به‌اتفاق آرای اعضای شورا، ۱۱ اثر شیشه‌ای و ۹ اثر

سفالین از مجموعه ارزشمند موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسید. وی افزود؛ این افتخار برای دومین سال متوالی نصیب موزه شد و برای نخستین بار آثار سفالین شاخص این مجموعه نیز وارد فهرست آثار ملی شد. مدیر موزه آبگینه ضمن قدردانی از تمامی افراد و نهادهایی که در این مسیر همکاری داشته‌اند، از جمله مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان تهران و مدیر اداره کل موزه‌ها، تأکید کرد: این دستاورد نتیجه پژوهش و مستندنگاری دقیق بوده است. موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران یکی از موزه‌های شهر تهران است. عمارت این موزه، خانه‌ای تاریخی مربوط به دوره قاجار در تهران در خیابان سی‌تیر جای گرفته است.



یادداشت

امیرحسین حیدری آگروه فرهنگ و هنر



«آتش زنده»

کامکارها در شب

زمستانی تهران

کنسرت گروه ارکسترال کامکارها با عنوان «آتش زنده» در حالی شب گذشته برگزار شد که در هر دو سانس آن با حضور پرتعداد علاقه‌مندان به موسیقی به ویژه موسیقی گُردی همراه بود. در شامگاه ۱۲ اسفند ۱۴۰۳، هتل اسپیناس پالاس تهران میزبان رویدادی بود که گویی جان تازه‌ای به این مکان بخشد. بیش از ۲۰۰۰ نفر از مخاطبان موسیقی ایرانی در دو سانس ۱۹ و ۲۲ مهمان ساز و آواز کنسرت ارکسترال آتش زنده کامکارها بودند.

گروه کامکارها که یکی از برجسته‌ترین گروه‌های موسیقی ایرانی هستند و اجراهای متعددی در سطح جهان ازجمله در مراسم جایزه صلح نوبل داشته‌اند، به میزبانی فیدویو در دو سانس در اسپیناس پالاس تهران به اجرای برنامه پرداختند. این کنسرت با حضور ارسلان، ارزنگ، اردشیر، اردوان و قشنگ کامکار و با رهبری ارکستر ارسلان کامکار از خانواده کامکارها در کنار گروه ارکستر برگزار شد.

در کنسرت ارکسترال آتش زنده کامکارها، خوانندگانی چون مریم ابراهیم‌پور، هامون هاشمی، کیوان جعفر و آرش دوگوهی برخی از قطعه‌ها را به‌صورت چرخشی اجرا کردند. همچنین پنج هم‌خوان شامل امیرحسین مزارعی، محمد نوید، الهام نورانی، نیکا افکاری و هارپلا نورانی به سرپرستی هامون هاشمی، خانواده کامکارها و نوازندگان را همراهی می‌کردند.

ریپرتوار این کنسرت به‌ترتیب اجرا در هر دو سانس شامل قطعه‌هایی چون «سنایی»، «نوروز»، «خوشه هورامان»، تک‌نوازی اردوان کامکار، «آفتاب می‌شود»، «کنانه»، «لرزان»، «میان تاریکی»، «کاروان»، «شیرین‌گیان»، «قاسم‌خان» و «آمنه تو گلی» بودند. این قطعات با آهنگسازی ارسلان کامکار و رهبری او، ترکیبی از موسیقی سنتی کردی و فارسی را با همراهی و هم‌نوایی سازه‌ای کلاسیک و ایرانی، به نمایش گذاشتند که این مسأله میراث فرهنگی خانواده کامکارها را در دید حاضران در سالن برجسته کرد. لازم به‌توضیح است که کامکارها به‌نواختن سازهایی مانند تار، دف، سه تار، تنبک، سنتور و کمانچه از خانواده سازه‌های موسیقی دستگاهی و سنتی و همچنین آهنگسازی پیچیده و ترکیبی قطعه‌ها معروف هستند.

این کنسرت یک تجربه فرهنگی و موسیقایی عمیق بود که با تلفیقی از موسیقی کردی و فارسی، مخاطبان را به سفری در فرهنگ و تاریخ ایران به‌ویژه خطه کردستان می‌برد. در ابتدای این کنسرت و در میان دست‌زدن‌های حاضران در سالن، قشنگ کامکار اولین هنرمندی بود که روی استیج آمد و در ادامه ارسلان کامکار بر صحنه گام نهاد و ارزنگ، اردشیر و اردوان درکنار وی قرار گرفته و هر یک با ساز خویش آماده خلق اثری بی‌نظیر شدند. ترکیب زوج خواننده‌های قطعه‌ها بارها تغییر کرد و در قطعه‌های «نوروز»، «کنانه»، «میان تاریکی»، «شیرین‌گیان»، «قاسم‌خان» و «آمنه تو گلی» شاهد ترکیب مریم ابراهیم‌پور و کیوان جعفر بودیم؛ قطعه‌های «خوشه هورامان» و «لرزان» را زوج آرش دوگوهی و کیوان جعفر خوانندگی کردند و «آفتاب می‌شود» و «کاروان» هم با هم‌خوانی مریم ابراهیم‌پور و هامون هاشمی اجرا شد.



متن کامل

خبر

تعطیلی یک هفته‌ای کتابخانه ملی

کتابخانه ملی ایران به‌منظور بازسازی، بهسازی و بازطراحی بخش کتابخانه عمومی، از روز شنبه ۱۸ اسفند به‌مدت یک هفته تعطیل خواهد بود. این تصمیم به‌منظور افزایش ظرفیت کتاب‌ایران و ارتقای خدمات ارائه‌شده به پژوهشگران و مراجعین گرفته شده است. در این مدت، کلیه بخش‌های کتابخانه از جمله تالارهای مرجع تخصصی، کتابخانه عمومی، نشریات و منابع غیرکتابی تعطیل خواهند بود. همچنین، خدمات نوبت سوم با شیفت شب کتابخانه نیز در این مدت تعطیل خواهد بود. این تعطیلی به‌معنای آن است که کتابخانه ملی از ساعت ۲۱ تا ۲۴ شب که معمولاً به‌عنوان شیفت شب فعال است، نیز در دسترس نخواهد بود. کتابخانه ملی ایران معمولاً در ایام تعطیل رسمی کشور نیز تعطیل است اما این تعطیلی به‌دلیل بازسازی است و از روال عادی خارج است. پس از اتمام این یک هفته، کتابخانه با شرایط بهتری بازگشایی خواهد شد و خدمات خود را به حالت عادی بازمی‌گرداند.

